موضوع تحقیق:

علامت های تشخیص حقیقت و مجاز در علم اصول

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین سجادی

پژوهشگر:

حسین باسامانی

مقطع تحصیلی:

پایه پنجم

درس پژوهشی:

اصول۴

مرکز آموزشی:

حوزه علمیه علوی-قم

سال تحصیلی:

1399-1398



تقدیم به ؛

ام المومنین حضرت زهرا(سلام الله علیها)

**چکیده**

مقاله در دست شما حول مبحثی در باب مقدمات علم اصول می باشد، که تحت عنوان علامات حقیقت و مجاز بحث می شود. در این مقاله به صورت اجمالی به بیان بعضی از تعاریف واصطلاحات مورد نیاز در محل بحث پرداخته شده است و بعد ما به دنبال بیان اختلافات موجود در این باب که حول صلاحیت یا عدم صلاحیت داشتن هر یک از سه علامت یعنی : تبادر،صحت حمل و اطراد که برای تشخیص حقیقت از مجاز می باشد پرداخته و بابیان آراء هر یک از اصولیین در این موضوع و ادله ی بیان شده در سطح یک طلبه ی مبتدی نتیجه این می شود که یک دسته از علما قائل به عدم صلاحیت بعضی از سه علامت یعنی: تبادر،صحت حمل و اطراد شده ودسته ای قائل برصلاحیت داشتن این سه علامت شده اند اما در این میان کسانی هم علامت های دیگری غیر از این سه علامت ذکر کرده اند.ودر آخر قول مختار صلاحیت داشتن یک علامت یعنی تبادر دربین این سه علامت برای تشخیص می باشد،که همراء با دلیل ذکر شده است.

کلید واژه:علامت های حقیقت ومجاز،تبادر،صحت حمل،اطراد،ادله موافقین ،ادله مخالفین،

**فهرست**

[مقدمه 1](#_Toc39494072)

[فصل اول :کلیات 2](#_Toc39494073)

[**گفتار اول :مفهوم شناسی** 2](#_Toc39494074)

[**قسمت اول : تعریف حقیقت ومجاز** 2](#_Toc39494075)

[**گفتار دوم : ضرورت** 2](#_Toc39494076)

[**قسمت اول: اهمیت بیان علامات حقیقت ومجاز در علم اصول** 2](#_Toc39494077)

[**گفتار سوم : علامت های حقیقت و مجاز:** 3](#_Toc39494078)

[**قسمت اول :تبادر** 3](#_Toc39494079)

[**قسمت دوم:صحت حمل** 4](#_Toc39494080)

[**قسمت سوم:اطراد** 4](#_Toc39494081)

[فصل دوم : بررسی ادله نظرات علمای مشهور در مورد علامات تشخیص حقیقت و مجاز 5](#_Toc39494082)

[**گفتار اول : بیان ادله موافقین ومخالفین در مورد تبادر** 5](#_Toc39494083)

[**قسمت اول :بیان ادله موافقین تبادر** 5](#_Toc39494084)

[**قسمت دوم:بیان ادله مخالفین تبادر:** 6](#_Toc39494085)

[**قسمت سوم: انتخاب مبنا** 7](#_Toc39494086)

[**گفتار دوم:بیان ادله موافقین ومخالفین درمورد صحت حمل :** 7](#_Toc39494087)

[**قسمت اول:ادله ی موافقین در مورد صحت حمل** 7](#_Toc39494088)

[**قسمت دوم:ادله ی مخالفین در مورد صحت سلب** 7](#_Toc39494089)

[**قسمت سوم : انتخاب مبنا** 8](#_Toc39494090)

[**گفتار سوم:بیان ادله موافقین ومخالفین درمورد اطراد :** 8](#_Toc39494091)

[**قسمت اول:ادله ی موافقین در مورد اطراد** 8](#_Toc39494092)

[**قسمت دوم :ادله ی مخالفین در مورد اطراد** 9](#_Toc39494093)

[**قسمت سوم: انتخاب مبنا** 9](#_Toc39494094)

[نتیجه 10](#_Toc39494095)

[منابع: 11](#_Toc39494096)

# مقدمه

بحث از علامت های تشخیص و تمییز معنای حقیقی از مجازی از مسائل علم اصول نیست زیرا به صورت مستقیم مارا به استنباط حکم شرعی نمی رساند، اما به عنوان مقدمه همه ی اصولیون از آن قبل از ورود به مسائل علم اصول بحث می کنند. که این خود نشان دهنده اهمیت این مطلب است.مکلف گاهی در شرایطی قرار می گیرد که ازمعنای موضوع له یک لفظ اگاهی نداشته اما به سبب استعمال ان لفظ پی به معنای ان می برد. اما در برخی موارد لفظی چند استعمال مختلف دارد، مثلا اسد برای حیوان مفترس و هم به فردی شجاع استعمال شده حال فرد با شنیدن این لفظ چگونه باید پی به معنای حقیقی ببرد ؟ تافقیه بتواند تشخیص بدهد که ظهور کلام متکلم یا شارع در چیست ؟از انجایی که این تشخیص بسیار در فتوای فقیه تاثیر دارد یکی از بخش های اصول را تشکیل داده .در اینجاست که علما از علامات حقیقت و مجاز سخن به میان می اورند که تبادرو عدم صحّة السلب و صحّت سلب، و صحّة الحمل و عدم صحة الحمل وبه اطراد و تنصیص اهل لغت از مهمترین این علامات است در بین علما اختلافاتی حول علامات حقیقت و مجاز وجود دارد مثلا عده ای از علمابراین نظرند که بعضی از انچه که به عنوان علامت ذکر شده است برای تشخیص کارامد نبوده وعده ای علامات دیگری را ذکر کرده اند که مادر کتب درسی حوزه با این اختلاف اراء مواجه هستیم بدون اینکه با ادله ی انها را بشنویم اکنون سوال این است که کدامیک از این علامات موثر در تشخیص مکلف است وکدامین ادله از اتقان بیشتری برخوردار است.

بنده وقتی اهمیت این مسئله را مشاهده کردم و دیدم چنین اختلافی وجود دارد تصمیم گرفتم که در اینباره نظر و ادله علما رابدانم که با مراجعه به کتب اصولیین تاحدودی به اهداف خود دست پیدا کردم . امید است که برای خواننده ی عزیز هم مفید واقع شود .

# فصل اول :کلیات

## **گفتار اول :مفهوم شناسی**

برای شروع بحثمان حول علامات حقیقت ومجاز چند موضوع باید برایمان روشن شود زیرا در حین بحث اصلی در صورت عدم شناخت به فهم درست مطلب ضربه خواهد زدکه این مباحث عبارت اند از:تعریف و اقسام علامات حقیقت ومجاز و دیگر مباحثی که به آن باتوکل به خدا خواهیم پرداخت.

### **قسمت اول : تعریف حقیقت ومجاز**

تعریفی در لسان اصولیین در موردحقیقت و مجاز بیان شده عبارت است از:( استعمال اللفظ في معناه الموضوع له (حقيقةٌ) و استعماله في غيره المناسب له (مجازٌ)).( مظفر، محمد رضا، ج۱،ص۶۳ - ، 1430 ق). باتوجه به این تعریف استعمال لفظ در معنای موضوع له را حقیقت گویند و اگر در معنای غیر موضوع له به کار رود به ان مجاز می گویند که به گفته ی علامه مظفر این تعریف مورد اتفاق است و لذا ما به همین تعریف بسنده می کنیم.

## **گفتار دوم : ضرورت**

در این گفتر به امید خدا می خواهیم به طرح بحث ضرورت بپردازیم :

### **قسمت اول: اهمیت بیان علامات حقیقت ومجاز در علم اصول**

می دانیم که موضوع علم اصول هر انچه که در استنباط دخیل است، می باشد .حال سوال ما این است : علامات حقیقت و مجاز چه کمکی به ما در استباط حکم شرعی می کند؟

در ابتدا برای روشن شدن اهمیت این بحث یک بیانی را از کتب اصولیین نقل می کنیم:( كان الأنسب البحث عن طرق اثبات الظهور و الدلالات اللفظية بأقسامها و أقسام الشك و التردّد فيها، و هو بحث أوسع من علامات الحقيقة و المجاز، يرجع إلى اثبات صغرى الظهورات التي هي أهم الأدلّة الشرعية و أوسعها، و فيها نكات و جهات مهمّة و قواعد عامّة لا يستغني عنها الفقيه، و هذا بحاجة إلى تحرير و توفيق جديد لا يسعه هذا المجال.)( صدر، محمد باقر، بحوث في علم الأصول ج‏1 ؛ ص59- 1417 ق.)

اهمیت این موضوع مانند بقیه مسائل [علم اصول](http://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa19622) در راه استنباط احکام شرعی روشن می‌شود. به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است: (اگر شخصی جنب شود و آب برای غسل کردن پیدا نکند، با (صعید) تیمم کند. سپس اگر آب پیدا کرد برای نمازهای بعدی غسل نماید و نمازی را که با [تیمم](http://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa21724) خوانده نیاز به اعاده نیست.) ( برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج 2، ص 372 قم، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، 1371ق.)در این‌جا اگر شک شود از لفظ صعید معنای موضوع له آن که مطلق وجه الارض می‌باشد اراده شده، یا معنای خاص که خاک خالص باشد با استناد به این‌که در اصول بیان شده؛ هر لفظی که بدون قرینه مجازیه استعمال شود باید بر معنای حقیقی حمل شود، لفظ صعید را نیز بر معنای حقیقیش که مطلق الارض باشد حمل می‌کنیم و حکم می‌کنیم به جواز و صحت تیمم بر غیر خاک از اجزای زمین مانند سنگ.

بعد بیان این دو مطلب که ذکر شد باید اهمیت بحث برای شما روشن شده باشد حال نوبت به دیگر مطالب می رسد که در ادامه بیان خواهیم کرد.

## **گفتار سوم : علامت های حقیقت و مجاز:**

بعد از روشن شدن ضرورت و اهمیت بحث حقیقت و مجاز نوبت به بیان علامت های تشخیص حقیقت از مجاز می رسد که در این گفتار به آن می پردازیم :

**قسمت اول :تبادر**

در کتب اصولی یکی از علاماتی که ذکر شده است برای تشخیص حقیقت از مجاز تبادر می باشد که اینگونه ان را تعریف کرده اند:

المقصود من كلمة التبادر هو:انسباق المعنى من نفس اللفظ مجردا عن كل قرينة.(شهركانى، ابراهيم اسماعيل، ج‏1، ص: 77 ، 1430 ق.)

همان طور که ملاحظه می کنید به پیشی گرفتن یک معنا بعد از مواجهه با لفظ بدون قرینه تبادر گفته می شود. باید در نظر داشت در مورد اینکه تبادر نشانه و علامت دانسته شود برای تشخیص حقیقت از مجاز اختلاف اقوال در بین اصولویین وجود دارد که در مرحله ی بعد به بیان این اختلاف اقوال و تعین قول مختار می پردازیم :

همانطور که مشاهده فرمودید بنابر مشهور یکی از علامات تبادر می باشد.اما به بیان نظر مشهور اکتفاء نکرده و بیان غیر مشهور را هم ذکر خواهیم کرد:

نظر غیر مشهور: اما یک شبهه ای که از سوی کسانی که قائل بر علامت بودن تبادر نیستند وارد شده است که منجر به دور بودن تبادر می شود و انها بر این نظرند که تبادر از نشانه های تشخیص حقیقت از مجاز نبوده که در گفتار بعد آن را بررسی خواهیم کرد:

### **قسمت دوم:صحت حمل**

بعد بررسی تبادر به عنوان نشانه ی اول نوبت به نشانه ی دوم تشخیص حقیقت از مجاز یعنی صحت حمل می رسد :

صحّة الحمل، لأنّه يصحّ الحمل في الجمل بلا تصرّف في المسند و المسند اليه، و لو كان اللفظ موضوعا للمعنى المراد لما صحّ بدون التصرّف و التجريد مع أنّه صحيح بالضرورة و البداهة، فالمحمول على زيد في (زيد قائم) مثلا هو نفس المتلبّس بالقيام لا بما هو مراد و إلّا لما صحّ الحمل‏.( لجنه تاليف القواعد الفقهيه و الأصوليه التابعه لمجمع فقه اهل البيت عليهم السلام، قواعد أصول الفقه على مذهب الإماميةص22 1427 ق.)

با توجه به مثالی که در عبارت آورده شده است مطلب روشن می شود:وقتی گفته می شود زید قائم وقتی که این حمل صحیح باشد نشان می دهد که زید در معنای حقیقی خود به کار رفته است. در اینباره شهید صدر بیانی دارد که می فرمایند: صحة الحمل فان صح الحمل الأولي الذاتي للفظ المراداستعلام حاله على معنى ثبت كونه هو المعنى الموضوع له، و ان صح الحمل الشائع ثبت كون المحمول عليه مصداقا لعنوان هو المعنى الموضوع له اللفظ، و إذا لم يصح كلا الحملين ثبت عدم كون المحمول عليه نفس المعنى الموضوع له و لا مصداقه،( صدر، محمد باقر، ج‏2، ص: 59، 1405 ق.) زمانی که نه به حمل ذاتی و نه به حمل شایع حمل صحیح نباشد معنا، نه موضوع له برای لفظ می باشد و نه مصداقی برای آن.

#### نظر غیر مشهور : اما به عده ای از علماء ان را علامت تشخیص نمی دانند و اشکال که به وارد می کنند این است که ما با صحت حمل فقط مراد از معنای را روشن می کند ولی اینکه آن معنا مجازی است یا حقیقی را روشن نمی کندکه بعد به آن می پردازیم .

### **قسمت سوم:اطراد**

اما نشانه ی سومی که از نظر مشهور علامت برای تشخیص حقیقت از مجاز می باشد اطراد می باشد است که در کتب اصولی بررسی می شود:

و منها- أي من علائم الحقيقة-: الاطّراد، كما التزموا بأنّ عدم الاطّراد علامة للمجاز، و الاطّراد عبارة عن كثرة استعمال اللفظ في المستعمل فيه(معصومى شاهرودى، على اصغر، - ص295، 1424 ق).

اطراد آن است كه لفظ در معنى استعمال مكرر داشته باشد و عدم اطراد آن است كه استعمال مكرر نداشته باشد كه اطراد علامت حقيقت است و عدم اطراد علامت مجاز خواهد بود .

اما اشکالاتی به ان وارد است: نظر غیر مشهور:.این نشانه محسوب نمی شود : اما علمایی اصولی چون علامه مظفر (ره) آنرا نشانه ی تشخیص ندانسته و ادله ای را برای رد نظر مشهور اقامه می کنند که خواهد امد.

#### دیگر علامت ها :در بین علماء علامات دیگری مثل تنصیص اهل لغت و.. وجود دارد که مطالعه این مطلب را به خود مخاطب واگذار می کنیم.

# فصل دوم : بررسی ادله نظرات علمای مشهور در مورد علامات تشخیص حقیقت و مجاز

## **گفتار اول : بیان ادله موافقین ومخالفین در مورد تبادر**

در فصل قبل به بیان کلیات پرداختیم ،که هدف ما از بیان این کلیاتی که در فصل قبل بیان شد پیدا کردن اشنایی اجمالی بود که خدارو شکر حاصل شد.در این گفتار ان شاء الله به بیان ادله موافقین و مخالفین علامت های حقیقت و مجاز می پردازیم که در گفتار قبل وعده داده بودیم ودر این گفتار از میان علامت های حقیقت و مجاز به سراغ تبادر می رویم:

### **قسمت اول :بیان ادله موافقین تبادر**

مشهور علما بر این نظرند که تبادر علامت تشخیص حقیقت از مجاز می باشد و دلیلشان بر این مدعا متبادر شدن معنای به ذهن بدون قرینه است که این خود گویای معنای موضوع له می باشد .

التبادر، لا شكّ في أنّ من المشهورات المسلّمة عند الاصوليين تبادر المعنى من استعمال اللفظ إلى الذهن في المحاورة، بمعنى أنّهم يحاسبون تبادر المعنى من اللفظ المجرّد من القرائن الحالية و المقالية إلى الذهن عند الاستعمال علامة و دليلا على أنّ هذا اللفظ في اللغة موضوع لهذا المعنى حقيقة، فيكون المعنى المتبادر منه هو الموضوع له لذلك اللفظ بعنوان الحقيقة في اللغة و المحاورة لا المجاز ).معصومى شاهرودى، على اصغر، ص277 ، 1424 ق(.

برای واضح شدن این مطلب به سراغ بیانی دیگر از علماء معاصر می رویم :

و هذا يدلّ على أنّ المستعمل فيه معنى حقيقيّ، إذا ليس لحضور المعنى في الذهن سبب سوى أحد أمرين، إمّا القرينة، أو الوضع، و الأوّل منتف قطعا كما هو المفروض، فيثبت الثاني. )سبحانى تبريزى، جعفر،ص15 1387 ش..( این استدلال از یک قیاس استثنایی تشکیل شده که سبب حضور معنا در ذهن را یا قرینه می داند یا وضع که ما گفتیم که در اینجا ما قرینه نداریم پس انچه که مارا به معنا منتقل کرده است وضع است. اما به این بیان اشکالی از سوی مخالفین وارد است که بیان خواهد شد.

### **قسمت دوم:بیان ادله مخالفین تبادر:**

اما شبهه ای که از سوی مخالفین به تبادر وارد می شود:

إذا: التبادر موقوف على العلم بالوضع، و العلم بالوضع موقوف على التبادر حسب الفرض، و هذا يلزم منه الدور المحال. لأن كل منهما متوقف على الآخر. و على هذا لا يعقل أن يكون التبادر علامة للحقيقة يستفاد منه العلم بالوضع، و المفروض: أنه موقوف عليه.(شهركانى، ابراهيم اسماعيل، ج‏1، ص: 77، 1430 ق.).

خلاصه ی این شبهه این است که تبادر متوقف بر علم بالوضع است و پی بردن به علم بالوضع هم متوقف بر تبادر است که نتیجه ی این دور می شود.

اما این اشکال و شبهه از سوی علماء بدون جواب نمانده است :

و قد أجاب عن ذلك صاحب الكفاية (قده) بالتمييز بين العلم المتوقف على التبادر، و العلم الذي يتوقف عليه التبادر، فادّعى أنّ العلم الذي يتوقف على التبادر هو العلم التفصيلي بالوضع، و العلم الذي يتوقف عليه التبادر هو العلم الارتكازي بالوضع؛ فهذان نحوان من الوجود لهذا العلم: وجود إجمالي مقترن مع الغفلة، و وجود بارز ظاهر لا يتلاءم مع الغفلة، و حينئذ المتوقف على التبادر هو العلم التفصيلي البارز. و أما التبادر فلا يتوقف على العلم التفصيلي بالوضع، بل يكفي فيه العلم بالوضع بوجوده الإجمالي الارتكازي. إذن فالمتوقف على التبادر غير ما هو متوقف عليه التبادر، فلا دور في المقام.(صدر، محمد باقر، ج‏2 ؛ ص221، 1417 ق.)

مرحوم آخوند، اين اشكال را به دو صورت جواب داده است: جواب اوّل: برای مثال كسى كه جاهل به معناى «ماء»است اين لفظ را نزد عالم بهمعنا استعمال می کند و انچه که متبادر اوست میشود معنای حقیقی که دیگر مشکل دور پیش نمی آید .جواب دوم : علم بر دوقسم است : علم اجمالی یا ارتکازی و تفصیلی علم تفصیلی انسان چیزی را می داند و علم به ان هم دارد اما اجمالی انیگونه نیست او مطلبی را می داند ولی به ان علم ندارد که علمی که تبادر متوقف بر ان است از قسم علم ارتکازی می باشد.

دسته ای دیگر هم جواب سومی داده اند:بعضى درصدد برآمده‏اند اشكال را به طريق ديگرى جواب بدهند لذا گفته‏اند: در اينجا دو فرد از علم تفصيلى مطرح است: يك فرد قبلًا تحقّق داشته كه زمينه تبادر است و فرد ديگر، با تبادر تحقّق پيدا مى‏كند. پس يك فرد از علم تفصيلى، متوقّف بر تبادر است و تبادر، توقّف بر فرد ديگرى از علم تفصيلى دارد. همان‏طور كه انسان داراى ماهيت واحدى است ولى افراد متعدّدى دارد، علم تفصيلى نيز در اينجا دو فرد دارد و چه مانعى دارد كه يكى از اين دو فرد، متوقّف بر فرد ديگر باشد؟ مگر مانعى دارد كه يكى از افراد ماهيت، متوقّف بر فرد ديگر باشد؟

### **قسمت سوم: انتخاب مبنا**

تا اینجا اشکال و جواب ها در رابطه با تبادر بیان شد انچه که مورد قبول مشهور می باشد این است که تبادر علامت تشخیص حقیقت از و مجاز می باشد و این اشکالی که نقل شد را همه ی علماء پاسخ داده اند پس تا اینجا نتیجه ی بحث در مورد تبادر این شد که صلاحیت علامت بودن برای تشخیص حقیقت از مجاز را دارد.

## **گفتار دوم:بیان ادله موافقین ومخالفین درمورد صحت حمل :**

بعد بیان ادله ی موافقین و مخالفین در باره ی تبادر نوبت به بیان علامت دوم تشخیص حقیقت از مجاز میرسد که آن صحت حمل وصحت سلب می باشد:

### **قسمت اول:ادله ی موافقین در مورد صحت حمل**

قضیه ی حملیه ای که به وسیله ی آن به معنای حقیقی می رساند از نظر موافقین:اول:قضيّه حمليّه به حمل اوّلى ذاتى: اگر بتوانيم چنين قضيّه‏اى تشكيل دهيم، خود معناى حقيقى را به دست آورده‏ايم، مثلًا اگر ما شك داشته باشيم كه آيا تراب خالص، معناى صعيد است يا نه؟ قضيّه حمليّه‏اى به‏صورت (الترابُ الخالصُ صعيدٌ( تشكيل مى‏دهيم و فرض مى‏كنيم حمل آن حمل اوّلى ذاتى است يعنى )صعيد( و )تراب خالص( در ماهيت و حقيقت متّحدند، در اين صورت، معناى حقيقى براى ما روشن شده و معلوم مى‏گردد كه )صعيد( به معناى )تراب خالص ( است. دوم: قضيّه حمليّه به حمل شايع صناعى:اگر چنين قضيّه‏اى تشكيل شود، نتيجه آن رساندن به حقيقت نيست بلكه نتيجه آن اين است كه ثابت مى‏كند موضوع، يكى از مصاديق ماهيت محمول و يكى از افراد حقيقى محمول است.

### **قسمت دوم:ادله ی مخالفین در مورد صحت سلب**

برای شروع نظر شهید صدر را بیان می کنیم:

و الصحيح ان صحة الحمل انما تكون علامة على كون المحمول عليه هو نفس المعنى المراد في. المحمول أو مصداق المعنى المراد، اما ان هذا المعنى المراد في جانب المحمول هل هو معنى حقيقي للفظ أو مجازي، فلا سبيل إلى تعيين ذلك عن طريق صحة الحمل، بل لا بد ان يرجع الإنسان إلى مرتكزاته لكي يعين ذلك.(صدر، محمد باقر، ج‏2، ص: 59،1405 ق.)

به نظر شهید صدر آنچه که به وسیله ی قضیه ی حملیه روشن می شود تنها معنای مراد بوده و اینکه این معنای مراد مجازی است یا حقیقی را برای ما روشن نمی کند وباید برای روشن شدن حقیقی یا مجازی بودن به علم ارتکازی خود مانند تبادر رجوع کند.

عده ای از مخالفین اشکال دوری که در تبادر وجود داشت را مطرح می کند :

إنّ الدور الّذي ذُكر في التبادر يتوجّه إشكاله هنا أيضاً. و الجواب عنه نفس الجواب هناك، لأنّ صحّة الحمل و صحّة السلب إنّما هما باعتبار ما للّفظ من المعنى المرتكز إجمالًا، فلا تتوقّف العلامة إلّا على العلم الارتكازي و ما يتوقّف على العلامة هو العلم التفصيلي.)مظفر، محمد رضا، ص72، 1430 ق. (شبهه ی دور را علامه مظفر همانطور که در قبل جواب داده ایم دفع می کنند.

### **قسمت سوم : انتخاب مبنا**

فقط مراد از لفظ را مشخص می کند اما اینکه معنای مراد مجازی است یا حقیقی مجهول می ماند وباید بااستفاده از تبادر تشخیص بدهیم.

## **گفتار سوم:بیان ادله موافقین ومخالفین درمورد اطراد :**

### **قسمت اول:ادله ی موافقین در مورد اطراد**

به ظاهر موافقین لفظ استعمال شده

يقف على أنّ اللّفظ موضوع لما استعمل فيه، لأنّ المصحّح له إمّا الوضع أو العلاقة، و الثاني لا اطّراد فيه، فيتعيّن الأوّل.)سبحانى تبريزى، جعفر،ص15 1387 ش..(

انچه که سبب استعمال لفظ در یک معنایی می باشد یا وضع است یا علاقه که در محل بحث علاقه ای وجود ندارد پس وضع باقی می ماند

### **قسمت دوم :ادله ی مخالفین در مورد اطراد**

اما علمای برزگی همچون علامه مظفر اشکال به این نشانه وارد کرده و ان را علامت نمی دانند:

و الصحيح أن الاطراد ليس علامة للحقيقة لأن صحة استعمال اللفظ في معنى بما له من الخصوصيات مرة واحدة تستلزم صحته دائما سواء كان حقيقة أم مجازا فالاطراد لا يختص بالحقيقة حتى يكون علامة لها)مظفر، محمد رضا، ص72، 1430 ق.(

مرحوم مظفّر (ره) مى‏فرمايد: اطراد و عدم اطراد علامت حقيقت و مجاز نخواهد بود چه آنكه اگر استعمال لفظ در آن معنى يك بار صحيح باشد براى هميشه استعمال لفظ در آن معنى صحيح خواهد بود و اگر يك بار صحيح نباشد دائما صحيح نخواهد بود، و سرانجام اطراد (تكرار استعمال) در مجاز ايضا موجود است، البته با معاونت قرينه. بنابراين اطراد و عدم اطراد علامت حقيقت و مجاز نمى‏باشد.

### **قسمت سوم: انتخاب مبنا**

دلیلی که علامه مظفر اقامه می کنند دلیل خوبی است و طبق این دلیل نمی توان اطراد علامت دانست.

# 

# نتیجه

ودرآخر ما به لطف خدا دانستیم که در رابطه علامات حقیقت و مجاز ،تبادر برای تشخیص از دیگر علامات بهتر ومطمئن تر بوده وعلماءزیادی آن را قبول دارند. وبعد از تبادرصحت حمل صلاحیت علامت بودن را دارد، بااینکه اشکال شهید صدر را وارد دانستیم.

# 

# منابع:

1-محقق داماد، محمد /‏المحاضرات( مباحث اصول الفقه) / ناشر: مبارك‏ / چاپ: اول‏ / 1382 ش‏

2-خويى، ابوالقاسم‏ / مصباح الأصول)/ موسسه احياء آثار الامام الخوئي‏ / چاپ: اول / 1422 ق‏

3-حكيم، محمد تقى بن محمد سعيد /الأصول العامة في الفقه المقارن‏ / مجمع جهاني اهل بيت(ع) /چاپ: دوم‏ / 1418 ق‏

4-صدر، محمد باقر /بحوث في علم الأصول‏/ الدار الاسلاميه‏/ چاپ: اول‏/1417 ق‏

5-سبحانى تبريزى، جعفر /الموجز في أصول الفقه‏/ ناشر:موسسه الامام الصادق( ع)/ چاپ: چهاردهم‏/1387 ش

6-اشكنانى، محمد حسين‏/دروس في اصول الفقه/ ناشر: انوار الهدي‏ / چاپ: اول /1380 ش‏

7-معصومى شاهرودى، على اصغر/ دراسات الأصول في اصول الفقه‏/ ناشر: علي اصغر شاهرودي معصومي‏/ چاپ: اول‏/ 1424 ق‏

8-روحانى، محمدصادق‏/ زبدة الأصول‏/ ناشر: حديث دل‏/ چاپ: دوم‏/ 1382 ش‏

9- مظفر، محمد رضا/ أصول الفقه /ناشر:طبع انتشارات اسلامى قم/ چاپ: پنجم/ 1430 ق.

10- شهركانى، ابراهيم اسماعيل/ المفيد في شرح أصول الفقه/ناشر: ذوی القربی / چاپ: اول، 1430 ق.

11-لجنه تاليف القواعد الفقهيه و الأصوليه التابعه /ناشر:مجمع فقه اهل البيت عليهم السلام،/قواعد أصول الفقه على مذهب الإماميةص/چاپ: دوم،/ 1427 ق.

12-صدر، محمد باقر/دروس في علم الأصول/ناشرطبع دار المنتظر بيروت /چاپ:اول/ 1405 ق.

13-عراقى، ضياءالدين/ منهاج الأصول/ناشر:دارالبلاغه بيروت/چاپ:اول/ 1411 ق.